



بررسی ماهیت و میزان بازتاب ارزش‌های قصد شده در برنامه درسی

ملی ایران در کتاب‌های زبان انگلیسی Vision

علیرضا راستی*

(نویسنده مسئول)

استادیار زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان انگلیسی، گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران
Email: a.rasti@kazerunsfu.ac.ir



چکیده

در دوران معاصر، شاهد بازپیدایی و علاقه مجدد نظام‌های آموزش رسمی کشورها به آنچه از آن به آموزش ارزش‌ها تعبیر می‌شود هستیم. بخشی از این علاقه از تأکید گفتمان‌های معاصر، به ویژه گفتمان توسعه پایدار، مبنی بر ضرورت گنجانیدن ارزش‌های متعهدانه و پایبند بودن به آن‌ها در آموزش نشأت می‌گیرد. در این راستا، پژوهش کیفی فعلی با استخراج ارزش‌های موردنظر سیاست‌گذار آموزشی در ایران، که در اسناد فرادستی همچون سند برنامه درسی ملی تبلور یافته‌است، کوشیده تا نوع و میزان بازتاب این ارزش‌ها را در کتاب‌های نونگاشت زبان انگلیسی مدارس مقطع متوسطه دوم موسوم به مجموعه Vision بازنمایاند. بدین منظور، با اتخاذ روش بررسی محتوا، متعاقب شناسایی و استخراج ارزش‌های قصد شده در برنامه درسی ملی ایران، کوشش شد با بررسی بندهای سرتاسر همگی شش کتاب مجموعه فوق - شامل سه کتاب دانش‌آموز و سه کتاب کار - مشخص شود که آیا و تا چه اندازه و به چه شکل ارزش‌های یادشده نمود دارند و میزان برجستگی این نمود به چه صورت است. از جمله نکات مهم در پیوند با یافته‌ها می‌توان به بازتاب بالای مصادیق و نمودهای، به ترتیب، ارزش‌های رشد فردی، ارزش‌های جامعه‌محور، ارزش‌های مربوط به سلامت، و ارزش‌های زیست‌محیطی و نیز برجستگی بیشتر آن‌ها در قالب بافت کلامی و نیز تصویری اشاره نمود. به همین منوال، ارزش‌هایی همچون ارزش‌های کارمحور، مذهبی، وطن‌پرستانه، و هنری از نقطه نظر بازنمایی کم‌رنگ و کم‌رمق نمایانده شده‌اند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده ذی‌نفعان عمده آموزشی از جمله معلمان، نویسندگان مجموعه فوق، و سیاست‌گذاران آموزشی قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آموزش ارزش‌ها، انگلیسی
به‌عنوان زبان خارجی، برنامه
درسی ملی، ایران، مجموعه
ویژن

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.315848.789

راستی، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی ماهیت و میزان بازتاب ارزش‌های قصد شده در برنامه درسی ملی ایران در کتاب‌های زبان انگلیسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۴)، ۷۱۳-۷۲۷.

Rasti, A. (2021). An investigation into the type and amount of representation of intended values of Iran's National Curriculum Document in Vision series. Journal of Foreign Language Research. (4), 713-727.

*علیرضا راستی استادیار زبان‌شناسی کاربردی در دانشگاه سلمان فارسی کازرون می‌باشد. وی صاحب تألیفاتی در نشریات معتبر در زمینه‌های سیاست‌گذاری آموزشی، ارزیابی منابع آموزش زبان انگلیسی، و تحلیل انتقادی گفتمان است.



An Investigation into the Type and Amount of Representation of Intended Values of Iran's National Curriculum Document in Vision Series



Alireza Rasti*

(corresponding author)

Assistant professor in Applied Linguistics and TESOL, Department of English Language Teaching, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran
Email: a.rasti@kazerunfsu.ac.ir

ABSTRACT

In today's world, we are witnessing a resurgence of interest of formal schooling systems in what has come to be termed as Values Education. Part of this interest emanates from the emphasis laid by contemporary discourses, especially those around sustainable development, on the inclusion of commitment-oriented values in the educational arena and abiding by them. In keeping with this, by extracting policy-makers' intended values as reflected in such macro policy texts as Iran's National Curriculum Document, the present qualitative study set out to unpack the type and amount of such a reflection of values in secondary schools' English textbooks Vision Series. To this end, and subsequent to the identification of the said document's intended values, having employed the content analytical method, it sought to scrutinize all the clauses of the total set of six textbooks (three student books and three workbooks) in an attempt to lay bare to what extent and how, if any, the values had been represented and foregrounded/backgrounded. It was found, among other things, that personal growth, community-based, health/hygiene-related, and environmental/ecological values, respectively, had the highest frequencies through the provision of pictorial as well as linguistic contexts. Along similar lines, in terms of representational patterns, values such as work/labor-related, religious, nationalist, and aesthetic ones had been poorly reflected in the textbooks. The study is liable to have implications for the major educational stakeholders, including teachers, the series compilers, and educational policy-makers.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.315848.789

ARTICLE INFO

Article history:

Received: November 23, 2020

Accepted: December 14, 2020

Available online:
winter2021

Keywords:

values education, English as a Foreign Language, the National Curriculum, Iran, Vision Series

Rasti, A. (2021). An investigation into the type and amount of representation of intended values of Iran's National Curriculum Document in Vision series. *Journal of Foreign Language Research*. (4), 713-727.

* Alireza Rasti is a faculty member at Salman Farsi University of Kazerun. He has published several articles in refereed journals in Foreign Language Education Policy, Materials Evaluation, and CDA.

در دنیای پرشتاب کنونی، که بیشتر گفتمان‌ها از نوع توسعه-ای‌اند، عجیب نیست که شاهد بازپیدایی و بازتعریف برخی ارزش‌ها و گنجاندن آن‌ها در نظام‌های آموزش رسمی در کشورهای مختلفیم. گفتمان توسعه پایدار، که بر مؤلفه‌هایی همچون ضرورت حفظ منابع طبیعی، بهره‌مندی همگان از فرصت‌های برابر، چندفرهنگی (multiculturalism)، و احساس تعهد گسترده و فراگیر شهروندان در قبال موضوعات فوق و مشابه آن‌ها استوار و متمرکز است (استگر، بترسبی، و سیراکوسا، ۲۰۱۴)، و نیز جهانی‌سازی که روابط و مناسبات جدید و گاهی غیرمنتظره‌ای پیش‌روی بشر قرار داده است (استگر، ۲۰۰۴)، باعث استقرار نوعی نظم نوین در جوامع انسانی شده است. شکی نیست که هر نوع نظم نوینی منجر به (باز)تعریف/خوانی و استقرار یک سری ارزش‌های خاص در آن مقطع مشخص می‌شود. این دو عامل نیرومند در دوران معاصر، یعنی مقوله‌های توسعه پایدار و جهانی‌سازی، باعث شکل‌گیری گفتمانی پیرامون ضرورت عرضه آنچه از آن در علوم تربیتی به آموزش ارزش‌ها (values education) تعبیر می‌شود، شده است. اهمیت موضوع به قدری است که برخی نظریه‌پردازان، نظیر (لوات، ۲۰۰۹) (Lovat)، آموزش ارزش‌ها را بایسته آموزش کیفیت‌مدار (quality teaching) می‌دانند.

ارزش‌ها مفهومی ارزشی‌اند (value-laden) که، به‌رغم ماهیت به‌ظاهر ایستا و جهان‌شمول آن‌ها، به‌شدت

سیال و بافت‌گرایند (context-sensitive) (زجدا، ۲۰۰۹، ص. xviii)، از این حیث که جوامع مختلف و گفتمان‌های مسلط حاکم بر آن‌ها در هر عصر و دوران، در مقایسه با دیگر جوامع، بر ارزش‌های مختلف تأکید می‌کنند و گاهی تعریف خاص خود را از آن‌ها دارند. این امر تا بدانجا پیش می‌رود که در بعضی جوامع، پدیده‌ای موسوم به چرخش ارزش‌ها (value shift) رخ می‌دهد. (زجدا، ۲۰۰۹، ص. xiii) به‌صورت مصداقی مورد اتحاد جماهیر شوروی را عنوان می‌کند که پس از فروپاشی ارزش‌های حاکم بر بازماندگان آن از ارزش‌های خاص عقیدتی کمونیست‌ها که فزونی‌تر، جمع‌محور بود به ارزش‌های بیشتر فردگرایانه و لیبرال غربی تغییر حالت داد. اصطلاح بسیار رایج اما در عین حال به‌لحاظ معنایی فرار و لغزنده ارزش‌ها نزد کارشناسان امر و اصحاب آموزش به عناوین مختلف تعریف و مفهوم-پردازی شده است. برای مثال، تیو (۲۰۰۵) (Thio) ارزش‌ها را مجموعه‌ای از «ایده‌های مشترک در سطح اجتماع راجع به آنچه خوب، مطلوب و مهم است» (ص. ۴۶) می‌داند. از دید زجدا (۲۰۰۹)،

ارزش‌ها ممکن است به یک نظام باورهای به‌خصوص (مثلاً قابل بودن به این‌که دموکراسی کثرت‌گرا، بهترین نظام سیاسی است)، یک رویه رفتاری (مثلاً صادق، شکیبا و شجاع بودن)، یک حالت وجودی (مثلاً صلح، خویش‌داری و مساوات)، یا یک قضاوت اخلاقی (مثلاً حقیقت، زیبایی و عدالت) اشاره داشته باشد (ص. xiv).

به‌طور کلی، ارزش‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از انگاره‌ها و آرمان‌ها دانست که فرد فرد اعضای جامعه انسانی را در تصمیمات مربوط به جنبه‌های زندگی فردی و ساحت‌های زندگی جمعی خود به شکل (نا)محسوسی به‌پیش می‌رانند و الگوهای رفتاری آن‌ها را رقم می‌زنند. لوات (۲۰۱۹) بر این باور است که اگر آموزش معلم (در مفهوم عام خود) بخواهد چاره‌ساز باشد و در فراگیر دیگرگونی به‌وجود آورد، باید بر پایه آموزش ارزش‌های ضمنی و صریح باشد. منظور وی از ارزش‌های دسته اول این است که «محیط یادگیری باید سرشار از ارزش‌ها و حاوی ویژگی‌هایی نظیر دلسوزی، اعتماد، احترام، و تشویق باشد.» (ص. ۱۱). در همین راستا، ارزش‌ها باید به‌صورت صریح هم در محیط آموزش لحاظ شوند و مد نظر قرار گیرند. منظور این است که «گفتمان آموزشی حول و حوش ارزش‌ها» (لوات، ۲۰۱۹، ص. ۱۳) چه در سطح برنامه‌درسی مدرسه و چه فعالیت‌های خارج از آن شکل بگیرد.

در مقوله اهمیت ارزش‌ها در نظام‌های آموزشی، لوات (۲۰۱۹) ارزش‌ها را به‌مثابه آموزش و معادل خود آن می‌داند و نه بخشی از آن. هالستد (۱۹۹۶) (Halstead) آن‌ها را بخش لاینفکی از نظریه آموزشی و فعالیت‌های عملی مراکز آموزشی به‌ویژه مدارس می‌داند از این حیث که

اولا مدارس و تک تک معلمان درون مدرسه، همراه و هم‌راستا با خانواده، رسانه‌ها و گروه

همسالان، تأثیر عمده‌ای بر پرورش ارزش‌های کودکان و جوانان، و در نتیجه، کل جامعه دارند. ثانياً، مدارس بازتاب و تبلوری از ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اند. (ص. ۳)

چنین دیدگاه‌هایی به‌وضوح نشان‌دهنده اهمیت نقش و جایگاه ارزش‌ها در نظام‌های آموزش رسمی در سراسر جهان به‌منظور پرورش شهروندانی است که بتوانند خود را به‌نحو مناسب‌تری با چالش‌های متعدد و متکثر دنیای معاصر وفق دهند و کارکرد بهتری در رویارویی با آن‌ها داشته باشند. با در نظر داشتن این ضرورت و جایگاه، و نیز مناقشه‌انگیز بودن ارزش‌ها به‌دلایل فرهنگی، سیاسی، و عقیدتی، بایسته است ذی‌نفعان، اعم از معلمان و پژوهشگران ساحت تعلیم و تربیت - چه در جایگاه تولیدکننده و چه مصرف‌کننده پژوهش - حضور جدی و پررنگی در بررسی ماهیت و اثرات چنین نوعی از آموزش داشته باشند و دانش انتقادی خود و دیگران را در این زمینه ارتقاء دهند و حس حساسیت مثبت نسبت به نوع و شیوه پرداخت به‌آن‌ها را در نظام‌های آموزشی کشورهایشان برانگیزانند.

۱.۱. برنامه درسی ملی ایران و ارزش‌های قصدشده در آن

برنامه درسی ملی ایران نوعی سند فرادست سیاست‌گذاری آموزشی است که در سال ۱۳۹۱ توسط وزیر وقت آموزش و پرورش جهت اجرا به نظام آموزش رسمی کشور و

زیرنظام‌های آن ابلاغ شد. سند مزبور بدین منظور طراحی شد تا به‌مثابه نقشه راهی جهت‌گیری‌های آموزشی در مدارس ایران را در تمامی اجزای برنامه درسی مدارس اعم از تدریس، محتوا، اهداف، و ارزشیابی نشان دهد. از آن جا که تا پیش از این تاریخ نظام آموزش رسمی مدارس در ایران بر مبنای هیچ برنامه درسی مدون، برنامه‌محور، و نظام‌مندی استوار نبود، تبلیغات حاکمیتی بسیاری درباره آن به‌کار گرفته شد تا سند طبق اهداف و نیات برنامه‌ریزی‌شده خط‌مشی‌گذار آموزشی پیاده و به‌آن عمل شود. طبق اظهارنظر یکی از کارشناسان دخیل در طراحی سند «قرار بود که سند ملی آموزش و پرورش به طرح جامع راهبردی برای ایجاد دگرگونی در همه ابعاد و عرصه‌ها تبدیل شود» (مهرمحمدی، ۱۳۹۳. ص. ۲۱۹).

در پیوستی که در بخش پایانی نگاشت پنجم برنامه درسی ملی ایران آمده و در ذیل عنوان کلی مبانی برنامه درسی ملی زیر عنوان مبانی ارزش‌شناختی واقع شده، خط‌مشی‌گذار فهرستی از مصادیق چهار ارزش کلی مورد تصریح و تأکید برنامه را ارائه داده است. این چهار دسته کلی به‌ترتیب شامل ارزش‌های مرتبط با «خدا، خود، خلق و خلقت» (برنامه درسی. نگاشت پنجم. ص. ۵۸) می‌باشند.

در این پژوهش، پژوهشگر کوشیده تا با درنظرداشت این چهار مقوله کلی ارزش نمودهای آن‌ها را در سطح کتاب‌های درسی زبان انگلیسی مدارس متوسطه دوم موسوم به (Vision) استخراج نموده، با ارزش‌های موجود در نگاشت پنجم سند برنامه درسی ملی مطابقت

داده، نتایج را با رویه‌های متداول جهانی و یافته‌های پژوهش‌های برجسته در سطح جهانی گزارش کند.

۲. پیشینه پژوهش

نگاهی به پیشینه پژوهش با محوریت مقوله آموزش ارزش‌ها نشان می‌دهد که کتاب چنین پیشینه‌ای روزبه‌روز از قطع و نیز ضخامت بیشتری برخوردار می‌شود. چنین رشدی البته در سطح ملی از کیفیت و شتاب مناسبی برخوردار نیست و به‌جز چند اثر پراکنده و محدودداده (به‌عنوان مثال، سلیمانی و لوات، ۲۰۱۹؛ شریفیان، ۱۳۹۸؛ یزدانی، اکبری لاکه، و احمدی، ۱۳۹۴) به‌نظر می‌رسد کار شاخص خاصی صورت نپذیرفته است و جا دارد هم به لحاظ نظری (به لحاظ بافت‌محور بودن ارزش‌ها و ساختار خاص عقیدتی کشور) و هم از حیث عملی به این موضوع در زیرنظام‌های آموزشی ایران بیشتر پرداخته شود.

در سطح بین‌المللی، برکویتز (۲۰۱۱) (Berkowitz) در پژوهشی مروری به برشمردن پانزده مورد فعالیت آموزشی پژوهش‌بنیادی، که مشخص شده به تأثیر و کارآیی گنجاندن ارزش‌ها در امر تعلیم‌وتربیت منتهی می‌شود، پرداخته است. از جمله چنین اقدامات آموزشی می‌توان به بحث پیرامون دوراهی‌های اخلاقی، مشارکت اولیاء در آموزش، توانمندسازی، و الگوگیری و ارشاد (mentoring) اشاره کرد.

در پیوند با بافت‌های آموزش انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، قویما (۲۰۱۶) (Qoyyimah) به شرح و

تبیین پیاده‌سازی برنامه درسی ارزش‌محور در نظام آموزشی اندونزی به‌ویژه مدارس این کشور می‌پردازد و دلیل اجرای آن را بستر مذهبی این کشور می‌داند. در مطالعه‌های دیگر، فنگ (۲۰۱۹) (Feng) با اقتباس رویکرد پژوهشی چندوجهی به‌طور ویژه نحوه بازنمایی ارزش‌ها را در متن و تصاویر کتاب‌های درسی زبان انگلیسی مدارس هنگ کنگ مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش فنگ روشن‌گر و مبین این نکته است که ارزش‌های نمایانده شده در کتاب‌ها از سطح فردی به بین فردی و نهایتاً جمعی تغییر می‌کنند.

همسو و هم‌راستا با پارادایم انتقادی غالب، در پژوهش‌های معاصر در گستره علوم انسانی، شماری از پژوهش‌های جدید کوشیده‌اند به‌ارزش‌ها به‌مثابه سازه گفتمانی (discursive construction) بنگرند و با این رویکرد نظری، به تحلیل ماهیت ارزش‌های موجود در برنامه درسی نظام‌های آموزشی بپردازند (تکین، ۲۰۱۰؛ میرفخرایی، ۲۰۱۸؛ ژیانگ و پنگ، ۲۰۲۰). چنین رویکردی قائل به این است که ارزش‌ها وجود خارجی ندارند، بلکه تحت تسلط گفتمان‌های غالب عقیدتی و سیاسی (باز) تولید و (باز) نشر داده می‌شوند و اغلب به‌صورتی خزنده و زیرپوستی به‌ذی‌نفعان آموزشی در سطح مدرسه القا می‌شوند.

در محیط انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی ایران، همان‌طور که اشاره رفت، تاکنون پژوهش‌های قابل‌توجه

اندکی با محوریت آموزش ارزش‌مدار و لحاظ کردن مؤلفه‌های آن در برنامه درسی مدارس اجرا شده است. این موضوع می‌تواند در جای خود وجه نوآورانه این پژوهش به حساب آید که کوشیده به شیوه و میزان بازتاب و بازنمایی عناصر و مقوله‌های ارزشی برگرفته از سند سیاست‌گذاری برنامه درسی ملی ایران بپردازد. در این راستا، این پژوهش بر آن است تا به دو پرسش زیر پاسخ دهد:

- ارزش‌های قصدشده سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز کلان آموزشی در سند برنامه درسی ملی آیا و یا تا چه میزان در کتاب‌های زبان انگلیسی مدارس مقطع متوسطه دوم بازنمود داشته‌اند؟
- چه الگوهایی احیاناً در ماهیت یا شیوه بازنمایی ارزش‌ها به‌چشم می‌آید؟

۳. روش پژوهش

۳.۱. نگاهی مختصر به داده‌های پژوهش

داده‌های پژوهش فعلی را کل بندها و عبارات‌های به‌کار رفته در مجموعه کتاب‌های زبان انگلیسی (Vision)، که در مدارس مقطع متوسطه دوم در ایران تدریس می‌شوند، تشکیل می‌دهند. این کتاب‌ها مشتمل بر سه کتاب دانش‌آموز و سه منبع تکمیلی کتاب‌های کار هستند. علت گزینش کتاب‌ها این است که در پیش‌گفتار همه آن‌ها اشاراتی به این موضوع شده که آن‌ها بر اساس اصول مصرح یا ضمنی موجود در سند بالادستی برنامه درسی ملی ایران نگاشته

شده‌اند. نگارنده، که خود در درس بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دبیرستان در مقطع کارشناسی رشته آموزش زبان انگلیسی این کتاب‌ها را به‌دفعات از جهات مختلف صوری، محتوایی، و روش‌شناسانه، به‌ویژه از حیث فلسفه نگارش، محتوا، و چینش مطالب، بررسی و تدریس نموده است، بر آن شد تا میزان مطابقت احتمالی منابع فوق را با سند فرادستی، که بر اساس آن به‌وجود آمده‌اند، از نقطه‌نظر وجود ارزش‌ها واکاوی کند تا مشخص شود چه الگوهای بازنمایی احتمالی در عرضه ارزش‌ها به‌دست می‌آید. واحد تحلیلی به‌کار رفته در این مطالعه بند (clause) و عبارت (phrase) می‌باشد.

۲.۳. روش بررسی داده‌ها

روش به‌کار رفته در اجرای این پژوهش از نوع بررسی محتوای کیفی است. به‌گفته شریر (۲۰۱۲) (Shreier)، «بررسی محتوای کیفی، روشی در توصیف نظام‌مند معنای مطالب و مواد کیفی است. این روش به‌وسیله دسته‌بندی مطالب به‌عنوان مصادیق طبقه‌های یک چهارچوب کدگذاری شده انجام می‌شود» (ص. ۲). بعضی از مؤلفه‌های شاخص این روش پژوهش کیفی، که کاربرد زیادی در بررسی و ارزیابی مطالب کمک آموزشی دارد، عبارتند از: داده‌بنیاد بودن، بافت‌گرا بودن، تأکیدکردن بر معانی پنهان و مستتر، استنتاج و استقرای بیشتر (شریر، ۲۰۱۲).

مراحل به‌کار رفته در پژوهش کنونی به‌شرح زیر است: ابتدا ده درصد از هر کتاب (مجموعاً شش کتاب

شامل سه کتاب دانش‌آموز و سه کتاب کار) برای یافتن مصادیق و نمودهای ارزش‌های قصدشده در برنامه درسی ملی یعنی ارزش‌های در رابطه با خدا، خود، خلق، و خلقت در قالب واحد تحلیلی بند و عبارت مورد بررسی دقیق قرار گرفت تا معیار «تنوع» (variability) مد نظر کارشناسان این روش پژوهشی (شریر، ۲۰۱۲، ص. ۱۴۹) ضمن بررسی درصدی از هر بخش از پیکره، محقق شده باشد. در واقع این چهار مقوله کلی مرحله آغازین پژوهش را به‌پیش می‌برد، اما بعد، مصادیق و جلوه‌های خرد و جزئی‌تر آن‌ها در این مرحله آزمایشی استخراج و ضبط شد و به‌صورت یک چهارچوب کدگذاری (coding frame) مورد استفاده قرار گرفت. هم‌زمان که پژوهش پیش می‌رفت و شتاب می‌گرفت و از سطح بررسی ده درصد مرحله آزمایشی فاصله می‌گرفت، کدهای استخراجی، تعدیل‌شده و توصیفی‌تر می‌شدند. سرانجام، چهارچوب کدگذاری جزئی‌تری شامل هشت طبقه ارزشی تدوین و مبنای شناسایی مصادیق موجود در کتاب‌های زبان انگلیسی (Vision) قرار گرفت. این هشت طبقه عبارتند از:

۱. ارزش‌های مربوط به‌رشد فردی

۲. ارزش‌های سلامت/ بهداشت‌محور

۳. ارزش‌های جمع‌گرایانه

۴. ارزش‌های هنری/ فرهنگی/ زیبایی‌شناسانه

۵. ارزش‌های ملی/ وطن‌پرستانه

۶. ارزش‌های مذهبی

۷. ارزش‌های زیست‌محیطی/ بوم‌گرایانه

۸. ارزش‌های مربوط به جایگاه و اهمیت کار/ فعالیت

نکته حائز اهمیتی که در این جا باید به آن اشاره نمود، این است که هر چند نوعی هم‌پوشانی گریزناپذیر در میان بعضی مقولات به چشم می‌آید، با توجه به رخداد مکرر مصادیق آن‌ها در پیکره زبانی تصمیم گرفته شد به صورت مقولات جداگانه و در جای خود در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، در ابتدا ارزش‌های مربوط به اهمیت کار و تلاش ذیل ارزش‌های (رشد) فردی بودند که در نهایت مقرر شد به دلیلی که در بالا ذکر شد، به صورت مجزا مبنای عمل قرار گیرند.

سرانجام، به دلیل عدم دسترسی به ارزیاب مسلط، که یکی از محدودیت‌های پژوهش فعلی به شمار می‌رود، برای دستیابی به پایایی بهینه و بیشینه کل داده‌های پژوهش (شامل شش کتاب زبان انگلیسی مدارس مقطع متوسطه دوم در ایران) برای بار دوم با چهارچوب کدگذاری هشت مقوله‌ای به فاصله دو ماه بررسی محتوایی شد تا پایایی درون ارزیاب (intra-coder reliability)، یا آنچه شریر (۲۰۱۲، ص. ۱۶۷) از آن به مقایسه در زمانی (comparisons across points in time) اطلاق می‌کند، ارتقاء یابد. هدف دیگر انجام چنین رویه پایایی، ابهام‌زدایی از موارد و مصادیق غیرشفاف و نامطمئن ارزش‌های استخراجی و یا هم‌پوشاننده بود.

۴. نتایج و بحث و بررسی

۱،۴. ماهیت عرضه ارزش‌ها در مجموعه کتاب‌های

Vision

در انجام پژوهش پیش‌رو، همان طور که پیش‌تر اشاره شد، مصادیق جزئی‌تر چهار مقوله کلی ارزش‌های برشمرده شده توسط خط‌مشی‌گذار آموزشی در سند بالادستی برنامه درسی ملی ایران (یعنی ارزش‌های در پیوند با خدا، خود، خلق، و خلقت) در کتاب‌های زبان انگلیسی مدارس موسوم به (Vision) مورد شناسایی، ضبط، شمارش و درصداگیری، و عرضه تصویری و تجزیه و بررسی قرار گرفتند. نکته قابل توجه و تأمل در این بررسی، که باید در ابتدا به آن اشاره نمود، این است که در معدود مواردی که هشت دسته ارزش‌های سابقا ذکر شده، از مجموعه کتاب‌های فوق، نمود عینی و شفاف داشتند چنین بازنمایی صریحی به دو شیوه عمده انجام شده است. در پاره‌ای موارد کلمات دارای بار ارزشی، به ویژه صفات، به وضوح نشان دهنده تأکید متن کتاب‌های فوق بر یکی از ارزش‌هاست. مثلا، در کتاب دانش‌آموز زبان انگلیسی پایه دهم (Vision 1) در صفحه ۱۷، متعاقب یک تمرین وصل کردنی با محوریت موضوع طبیعت، تمرین ذیل آمده است که حاوی صفات ارزشی good یا bad است و می‌کوشد با رویکردی تعلیم‌محور (didactic)، توجه و حساسیت (بیشتر) فراگیر و نیز معلم را به آن‌ها جلب کند:

Which is good for nature? Which is bad?

یا در صفحه ۱۱۷ همین کتاب جمله زیر آمده که ارزش مدنظر نویسندگان کتاب را، که همسو با نیت سیاست‌گذار

در برنامه درسی ملی هم می‌باشد، به صورت صریح و تأکیدی با کاربرد صفات ارزشی نشان داده است:

Our good behavior can give a good image of our country to other people.

به‌عنوان مثالی دیگر از عرضه صریح ارزش‌ها به

مصرف‌کننده نهایی کتاب‌ها، در صفحه ۴۱ کتاب زبان

انگلیسی دانش‌آموز پایه دوازدهم (Vision 3) ضرورت

توجه به ارزش‌های ملی و گذشته ما ایرانیان با استفاده از

صفت ارزشی **important** چنین ترسیم شده است:

Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past.

در پیوند با ماهیت پرداختن مجموعه فوق به

ارزش‌های قصدشده باید اظهار داشت روش دیگری که

توسط نویسندگان مجموعه کتاب‌های زبان مدارس در ارائه

و بازتاب صریح ارزش‌ها اتخاذ و درپیش گرفته شده است

استفاده از افعال وجه الزامی (deontic modal verbs)

نظیر **should** یا **must** در بافت جمله یا بند موردنظر

است. بهره‌گیری از چنین افعالی به‌وضوح خواننده را به آن

سمت سوق می‌دهد و پیش می‌برد که متوجه شود متن

صحبت از نوعی ارزش مورد قبول جامعه می‌نماید. برای

مثال، در صفحه ۲۵ کتاب دانش‌آموز زبان انگلیسی پایه

یازدهم متوسطه (Vision 2)، احترام به رسمیت‌شناختن

زبان‌های دیگر، به‌عنوان نوعی ارزش اجتماع‌محور و کثرت-

گرایانه، به‌صورت زیر ترسیم و با استفاده از فعل وجهی

الزامی **should** مشخص شده است:

... we **should** respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.

یا به‌عنوان مثالی دیگر از جلب توجه خواننده به یک ارزش

با کاربرد افعال فوق‌الذکر، در کتاب کار زبان انگلیسی پایه

دهم (Vision 2) در صفحه ۶۲، جمله ارزش‌محور زیر با

استفاده از فعل وجهی الزامی **must** برجسته‌نمایی و

به‌خواننده به‌عنوان نمود عینی یک ارزش مورداحترام عرضه

گشته است - ارزشی که در این بافت زبانی به‌خصوص

دلالت بر نوعی تفاهم و احترام بین‌فرهنگی، که ذیل ارزش-

های جمع‌گرایانه قرار می‌گیرد، دارد:

When we meet local people, we must not forget that we are guests! So, we must respect their way of living. When visiting historical and especially holy places, we must respect them, too.

در موارد فراوان دیگر که ارزش‌های موردنظر

به‌صورتی غیرمستقیم ارائه و عرضه شده‌اند، کوشش شده تا

از طریق بافت پیرامونی آن‌ها، نظیر همراهی آن‌ها با تصویر

یا شکل، و یا گنجاندن آن‌ها در بافت زبانی مکفی و مناسب

به فراگیر و معلم عرضه شوند. به‌عنوان مثال، در صفحه ۵۹

کتاب کار زبان انگلیسی پایه یازدهم (Vision 2) عبارات

و **Turn off the TV or computer and get active**

Choose water as a drink در حاشیه تصویری آمده است که به طرز گویایی عادات سبک زندگی سالم را به تصویر کشیده است و بازتابی از ارزش‌های سلامت‌محور است. همین طور، به عنوان مثالی از ارائه بافت همراه زبانی در برجسته‌نمایی ارزش‌های مدنظر کتاب‌های زبان انگلیسی مقطع متوسطه دوم می‌توان به جمله زیر در صفحه ۴۹ کتاب دانش‌آموز زبان انگلیسی پایه دهم (Vision 2) اشاره نمود که در آن نویسنده یا نویسندگان با استفاده از صفت ارزشی (brave) و نیز کاربرد صفت ملکی اول شخص جمع (our) سعی کرده‌اند با ایجاد حس انسجام و تعلق توجه مصرف‌کنندگان نهایی کتاب یعنی دانش‌آموزان و احیاناً معلمان را به ارزش‌های ملی‌گرایانه یا وطن‌پرستانه جلب کنند:

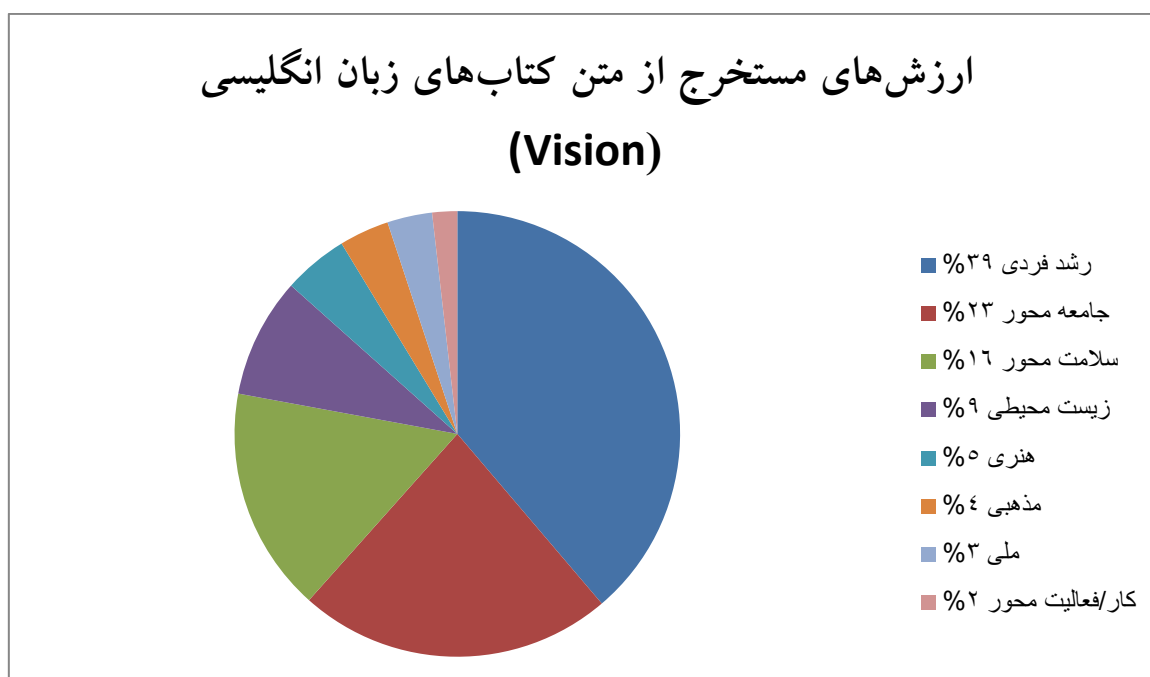
The **brave** soldiers defended **our** country.

۲،۴. میزان بازنمایی ارزش‌های موجود در مجموعه

کتاب‌های Vision

بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر از حیث گنجاندن ارزش‌های مدنظر خط‌مشی‌گذار آموزشی در ایران در کتاب‌های درسی مدارس به‌وضوح بیانگر این موضوع است که مؤلفان کوشیده‌اند تا تمامی ارزش‌های مندرج در سند مهمی همچون سند برنامه درسی ملی ایران را در جای‌جای کتاب‌های مورد استفاده دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه، که موضوع مطالعه فعلی را تشکیل می‌دهند، به‌صورت نمود عینی و حضور مستتر لحاظ نمایند. اما به‌گونه‌ای که از نمودار منحنی زیر مربوط به درصد گنجاندن هر مقوله فرعی ارزش قصدشده در برنامه ملی مدارس ایران برمی‌آید، چنین بازتابی عاری از اشکال نیست:

ارزش‌های مستخرج از متن کتاب‌های زبان انگلیسی (Vision)



شکل ۱. میزان گنجاندن شدن ارزش‌ها در کتاب‌های Vision

ایرادی که پس از ملاحظه و بررسی نمودار گرد
فوق به چشم می‌آید این است که بازنمایی ارزش‌ها متقارن
نیست؛ به عبارت دیگر، وزن و اهمیت تقریباً برابری در
لحاظ کردن ارزش‌های مدنظر سیاست‌گذار آموزشی به همه
آن‌ها داده نشده است. همان طور که از نمودار برمی‌آید،
چهار مقوله ارزشی هنری/زیبایی‌شناسانه، مذهبی،
ملی/وطن‌پرستانه، و کار/فعالیت‌محور کمتر از ۱۵ درصد کل
موارد شمول ارزش‌ها در مجموعه کتاب‌های (Vision) را
به خود اختصاص داده‌اند، حال آن‌که چهار مقوله ارزش‌های
رشد فردی، جمع‌گرایانه، سلامت/بهداشت‌محور، و زیست-
محیطی/بوم‌گرایانه بیش از چهارپنجم کل مصادیق را
تشکیل می‌دهند.

نکته مهم و قابل تأمل دیگری نیز که در این
بررسی مشخص شد، این است که ارزش‌های چهار مقوله
اول، همچون ارزش‌های رشد فردی، اجتماع‌محور،
بهداشت‌محور، و زیست‌محیطی و بوم‌گرایانه که در حدود
۸۶ درصد از کل موارد شمول ارزش‌های انعکاس یافته در
کتاب را تشکیل می‌دهند، بیشتر ارزش‌هایی‌اند که مستقیماً با
حیات و بقای انسان سروکار دارند و بدون توجه مکفی
به آن‌ها حیات انسان و تداوم آن بر روی کره خاکی با خطر
جدی روبه‌رو می‌شود. بازتاب زیاد چنین ارزش‌هایی که بر
اساس نیازهای فوری و اینجایی-این‌زمانی (here-and-now)
انسان معاصر هستند به نوعی گفتمان‌های غالب سده
بیست‌ویکم که به شدت متأثر از نیروهای جهانی‌سازی و

توسعه پایدار و نیز تفکر نئولیبرال مسلط بر مناسبات عرصه-
های مختلف اجتماع می‌باشند بازتاب می‌دهند.

همچنین در بررسی منابع پژوهش کنونی در رابطه
با ماهیت ارزش‌های موجود در کتاب مشخص شد که
ارزش‌های جدیدی که غالباً به تبع تأثیرات فناورانه بر زندگی
شهروندان و تغییر سبک زندگی و ذائقه افراد پدیدار و
پررنگ شده است نیز در سطح مجموعه کتاب‌های زبان
مدارس (Vision) تا حدودی گنجانده شده‌اند. یکی از این
ارزش‌های دنیای معاصر ارزش‌های مربوط به شهروند
مجازی (netizen) است. به عنوان مثال، در صفحه ۵۹ کتاب
دانش‌آموز زبان انگلیسی پایه یازدهم مدارس متوسطه دوم
(Vision 2) اشاره به اثرات نامطلوب استفاده غیرصحیح از
نمودهای فناورانه در زندگی عمدتاً دیجیتالی امروز و نیز
غیرمستقیم ارزش‌های مربوط به فرهنگ شهروند مجازی
دارد:

Addiction to technology such as using
computers for a long time is also dangerous.

در رابطه با ارزش‌های جمع‌گرایانه به‌طور عام و
ارزش‌های تکثرگرایانه به‌طور خاص، خوشبختانه باید گفت
که برخلاف مجموعه کتاب‌های انگلیسی مدارس که سابقاً
تدریس می‌شد (English 1, 2, 3, and Pre-University English
University English) و دیدی یکدست و همگانه
(homogenized) از جامعه ایران به دست می‌داد و به نوعی

با حذف افراد و گروه‌ها باعث دیگری‌سازی (othering) اقوام می‌شد (میرفخرایی، ۲۰۰۸)، مجموعه کتاب‌های جدید (Vision) دست کم ایران را به صورت سرزمینی متکثر و متشکل از و درهم‌تنیده با اقوام مختلف با نمادها و نمودهای فرهنگی خاص خود نشان می‌دهند و به تصویر می‌کشند. در این کتاب‌ها به بعضی از اقوام مهم ساکن در ایران از جمله کردها، آذری‌ها، و قشقایی‌ها اشاره شده است و به نقش توسعه‌ای و هم‌افزایانه آن‌ها در پیشرفت کشور و غنای فرهنگی آن پرداخته شده است. جمله زیر، برگرفته از یکی از متن‌های خوانداری کتاب پایه یازدهم (Vision 2، ص. ۹۱)، نمونه‌ای از مصادیق اشارات مستتر به ارزش‌های چندفرهنگی و تکثرگرایانه است:

Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azarbaijan or Kordestan.

در بررسی نهایی، و به‌رغم وجود این تغییرات مثبت، که در جای خود درخور تقدیر است، باید گفت که کتاب‌ها به‌لحاظ گنجانیدن و نمایاندن ارزش‌ها، خصوصا ارزش‌های مورد قبول جامعه جهانی، با مطلوب خود فاصله زیادی دارد و جا دارد در بازنگری‌ها و تجدید نظرها به آن‌ها بیشتر پرداخته شود. در واقع، تصویری که از نوع و ماهیت ارزش‌های کتاب‌های زبان انگلیسی مدارس به خواننده

عرضه می‌شود تصویری محافظه‌کارانه از ارزش‌هایی است که در سطح ساختار اجتماعی کشور تبلیغ و بر آن تأکید می‌شود. از نقطه نظر روندهای موجود جهانی می‌توان گفت که تصویر دقیق، فراگیر و همه‌جانبه، و موزونی از بعضی ارزش‌های غالب در دنیای شیدا جهانی‌سازی شده امروز ارائه نشده است - تصویری که مورد انتقاد پژوهشگران عرصه بررسی‌های انتقادی برنامه درسی به‌ویژه برنامه درسی مدارس در ایران روبه‌رو شده است (میرفخرایی، ۲۰۱۸). برای مثال دو ارزش معاصر چندفرهنگی و کثرت‌گرایی (pluralism)، که هر دو در پیوند نزدیک با ارزش‌های مردم‌سالارانه مورد قبول بسیاری از ملل و جوامع و ذیل آن قرار می‌گیرند، در کتاب‌های بررسی شده به صورت مستتر و زیرپوستی در تعامل افراد محلی با جهانگردان خارجی تا حدودی نشان داده شده‌اند. با این حال، چنین تعاملی یک طرفه بوده و در کتاب‌ها تقریباً همیشه ایرانیان میزبان مهمانان خارجی هستند.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش فعلی، پژوهشگر کوشیده است تا با بهره‌گیری از روش بررسی محتوای کیفی تصویر روشنی از نوع و میزان ارزش‌های مدنظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان آموزشی و ساختاری که از آن برآمده‌اند و در اسناد فرادست آموزشی همچون سند برنامه درسی ملی ایران تبلور یافته است در کتاب‌های مدارس متوسطه دوم به دست دهد. یافته‌ها نشان دادند که بیشترین و بارزترین نمود را ارزش‌های

فوری و حیاتی جهان‌شمولی نظیر، به‌ترتیب بسامد، ارزش- های رشد فردی، جمع‌گرایانه، سلامت/ بهداشت‌محور، و زیست‌محیطی/ بوم‌گرایانه تشکیل می‌دادند. مطالعاتی از این دست از این نظر حائز اهمیتند که کتاب‌های درسی محمل و ابزاری در جهت جامعه‌پذیری (socialization) فراگیران به‌شمار می‌روند (کالموس، ۲۰۰۴؛ ونگ، ۲۰۱۰)، و از این حیث بایسته است منابع یادگیری، به‌ویژه کتاب‌های درسی مدارس، به‌دقت مورد کندوکاو و بررسی دقیق پژوهشگران عرصه ارزیابی و بررسی کتب قرار گیرند تا مشخص شود در زیر لایه سطحی آموزشی چنین کتاب‌هایی احياناً چه نسخه یا نسخی از «واقعیت» قصد(نا) شده خط‌مشی‌گذار گنجانده شده است.

پژوهش‌های آینده می‌توانند به‌ویژه با هدف اعتباربخشی (validation) احتمالی به یافته‌های این پژوهش در سطحی فراتر از متن و کلام یعنی در سطح بررسی چندوجهی به‌بررسی میزان و نوع بازنمود ارزش‌های مدنظر خط‌مشی‌گذار آموزشی در کتاب‌های درسی آموزش زبان انگلیسی مدارس متوسطه دوم در دو سطح توأمان متن و تصویر بپردازند. همین‌طور از دید تطبیقی می‌توان کتاب- های زبان انگلیسی مقطع متوسطه دوم را با مقطع متوسطه اول، که آن‌ها هم طبق اظهار مؤلفان براساس دستورالعمل- های برنامه درسی ملی ایران نوشته شده‌اند، مقایسه کرد تا میزان برجستگی یا حاشیه‌روی (backgrounding) احتمالی مصادیق بازنمود ارزش‌های مورد تأیید و تأکید سیاست‌گذار مشخص گردد. سایر مطالعات آتی می‌توانند به

سراغ معلمان به‌عنوان کاربران نهایی مصرف‌کننده کتاب‌ها در سطح سیاست‌گذاری آموزشی بروند و نظرات آن‌ها را در مورد اینکه چه ارزش‌هایی اولویت دارد در کتاب‌های آتی یا ویرایش کتاب‌های فعلی لحاظ شود مطالعه و بررسی نمایند.

در پایان به‌نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان اسناد فرادست آموزشی نظیر برنامه درسی ملی باید در مقوله ارزش‌ها شفاف‌تر عمل کنند. شایسته است ارزش‌های قصد- شده مورد بازنگری و تبیین دقیق‌تر قرار گیرند تا معلمان بهتر بتوانند مصادیق ارزش‌ها را درک نمایند و در موارد کاستی‌های احتمالی با کنش‌گری فعالانه و ابتکار عمل خود رأساً نسبت به‌جبران آن‌ها اقدام نمایند. شاید بهتر باشد برای احتراز از تفسیر نامطمئن سند برنامه درسی ملی به‌طور عام و مبحث مبانی ارزشی به‌طور خاص، نوعی راهنما جهت استفاده معلمان تهیه و در دسترس آنان قرار داده شود. (خیرآبادی و علوی‌مقدم، ۱۳۹۸). علاوه بر آن از آنجا که ارزش‌ها، خصوصاً ارزش‌های اخلاقی، نقش عمده‌ای در (عدم)تصمیم‌گیری معلم (در مفهوم عام خود) دارند و ضرورت دارد دوره‌های پرورش حرفه‌ای معلمان این موضوع را لحاظ کنند (جانستون، ۲۰۰۳)، می‌طلبد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی به‌صحنه بیایند و برنامه‌ها را مطابق با نیازهای حرفه‌ای معلمان نظیر آموزش انعکاسی و تأملی (طباطبایی یزدی، مطلب‌زاده، اشرف، و بقایی، ۱۳۹۷) تدوین و طراحی نمایند. یکی از دستور کارهای چنین برنامه‌هایی، می‌تواند این موضوع باشد که

بررسی شود تا چه اندازه نظام ارزش‌ها و باورهای معلمان در یک بافت تدریس به‌خصوص با نیت برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران کلان آموزشی هم‌پوشانی و سنخیت دارد.

۶. منابع

- (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (نگاشت پنجم)*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

خیرآبادی، ر.، و علوی‌مقدم، س. ب. (۱۳۹۸). فرصت‌ها و

چالش‌های فراروی آموزش زبان انگلیسی در نظام

آموزش رسمی ایران. *پژوهش‌های زبانشناختی در*

زبان‌های خارجی (۹)، ۱-۷۰-۵۳.

10.22059/jflr.2017.237918.364

شریفیان، ف. (۱۳۹۸). تبیین نمودهای صریح و جنبه‌های

مستتر نقش‌آفرینی ارزش‌ها در نظریه برنامه درسی

و برنامه‌ریزی درسی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*

(۱۵)، ۴-۲۲۳-۲۵۰.

طباطبایی‌یزدی، م.، مطلب‌زاده، خ.، اشرف، ح.، و بقایی، پ.

(۱۳۹۷). بررسی راهبردهای پیشرفت حرفه‌ای

مستمر: الگویی برای موفقیت مدرسان زبان

انگلیسی. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های*

خارجی (۱)، ۱-۳۳۵-۳۱۹.

10.22059/jflr.2017.240636.386

مهرمحمدی، م. (۱۳۹۳). *نقد و ارزشیابی سند برنامه درسی ملی. مجموعه سیمینارهای تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

یزدانی، ش.، اکبری لاکه، م.، و احمدی، س. (۱۳۹۴).

الگوی برنامه درسی ارزش‌مدار از دیدگاه

صاحب‌نظران آموزش اخلاق و ارزش‌ها در

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. *آموزش در*

علوم پزشکی (۱۵)، ۴-۳۱۸-۳۰۴.

Berkowitz, M. W. (2011). What works in values education. *International journal of educational research*, 50(3), 153-158.

Kalmus, V. (2004). What do pupils and textbooks do with each other?: Methodological problems of research on socialization through educational media. *Journal of Curriculum Studies*, 36(4), 469-485.

Feng, W. D. (2019). Infusing moral education into English language teaching: an ontogenetic analysis of social values in EFL textbooks in Hong Kong. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 40(4), 458-473.

Halstead, J. M. (1996). Values and values education in schools. In J. M. Halstead, & M. J. Taylor (Eds.). *Values in education and education in values*, (3-14). London: Falmer Press.

perceptions: a case study from Iran. *Journal of Beliefs & Values*, 40(4), 477-489.

Steger, M. B. (2004). Introduction: Rethinking the ideological dimensions of globalization. In M. B. Steger (Ed.), *Rethinking globalism* (1-14). Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, Inc.

Steger, M., Battersby, P., & Siracusa, J. (Eds.). (2014). *The Sage handbook of globalization*. London: Sage.

Tekin, B. Ç. (2010). *Representations and othering in discourse: the construction of Turkey in the EU context* (Vol. 39). Amsterdam: John Benjamins Publishing.

Thio, A. (2005). *Sociology. A Brief Introduction*. Boston: Pearson.

Weng, L. (2010). Shanghai Children's Value Socialization and Its Change: A Comparative Analysis of Primary School Textbooks. *China Media Research*, 6(3).

Xiong, T., & Peng, Y. (2020). Representing culture in Chinese as a second language textbooks: a critical social semiotic approach. *Language, Culture and Curriculum*, 1-20.

Zajda, J. (2009). Values education and multiculturalism in the global culture. In J. Zajda, & H. Daun (Eds.). *Global values education: Teaching democracy and peace* (xiii-2). New York: Springer.

Johnston, B. (2003). *Values in English language teaching*. London: Routledge.

Lovat, T. (2019). *The Art and Heart of Good Teaching: Values as the Pedagogy*. Singapore: Springer.

Lovat, T. (2009). Values education and quality teaching: Two sides of the learning coin. In T. Lovat, & R. Toomey (Eds.). *Values education and quality teaching* (pp. 1-11). Dordrecht: Springer.

Mirfakhraie, A. (2018). Discursive formations of indigenous peoples in Iranian school textbooks: racist constructions of the other. *Journal of Curriculum Studies*, 50(6), 754-771.

Mirfakhraie, A. H. (2008). *Curriculum reform and identity politics in Iranian school textbooks: national and global representations of "race", ethnicity, social class and gender* (Doctoral dissertation, University of British Columbia).

Qoyyimah, U. (2016). Inculcating character education through EFL teaching in Indonesian state schools. *Pedagogies: An International Journal*, 11(2), 109-126.

Schreier, M. (2012). *Qualitative content analysis in practice*. London: Sage publications.

Soleimani, N., & Lovat, T. (2019). The cultural and religious underpinnings of moral teaching according to English language teachers'